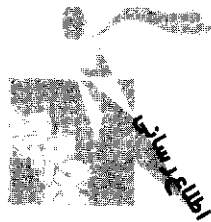


گفت و گو با  
دکتر محمد خبیری



گفت و گو:  
جواد آزمون

# بدنی و زنگ تربیت ورزش

## مقدمه

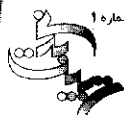
گفت و گو و بحث و تبادل نظر با استادان و پیشکسوتان حوزه‌ی تربیت بدنی و ورزش، یکی از سرفصل‌های موضوعی مجله‌ی «رشد آموزش تربیت بدنی» است که سعی کرده‌ایم به نحو مناسب به آن پردازیم، تا از این طریق، علاوه بر ایجاد ارتباط غیرمستقیم بین آنان و خوانندگان مجله، از دیدگاه‌ها و نظرهای آنان در خصوص موضوعات گوناگون و متنوع که در حوزه‌ی تربیت بدنی و ورزش، به ویژه آنچه که در بخش ورزش تعلیم و تربیتی و در مدرسه‌ها مطرح است، آشنا شویم.

به این منظور، به سراغ دکتر محمدخبیری، یکی از استادان دانشگاه تهران، و از جمله متخصصان تربیت بدنی و علوم ورزشی کشور رفتیم تا در یک گفت و گوی صمیمی، پاسخ برخی از سؤالات مطرح در جامعه را از زبان ایشان بشنویم.

دکتر محمد خبیری، ملقب به مهدی خبیری، به سال ۱۳۲۸ در تهران متولد شد. دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان امیرکبیر گذراند. وی در رشته‌های ورزشی فوتبال، والیبال و تنیس روی میز تبحر داشته است که بعدها بیش تر به سمت فوتبال گرایش و علاقه پیدا کرد. از دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی) در رشته‌ی روان‌شناسی فارغ‌التحصیل شد و در همین ایام به مدت ده سال به طور جدی در باشگاه‌های مطرح آن روز تهران، مثل بانک ملی، هما و گارد فوتبال بازی کرد. سپس برای تکمیل تحصیلات دانشگاهی خود راهی کشور آمریکا شد و ضمن دریافت مدرک فوق‌لیسانس تربیت بدنی از دانشگاه ایالتی تگزاس در هیوستون، موفق به ادامه تحصیل در مقطع بالاتر در رشته‌ی مدیریت آموزش عالی و کسب درجه‌ی دکترای از دانشگاه ایالتی تگزاس در دنتون آمریکا شد. سرانجام، در سال ۱۳۶۴ به ایران بازگشت و به استخدام دانشگاه تهران درآمد. وی از سال ۱۳۶۴ تاکنون علاوه بر تدریس در دانشگاه‌های کشور، با قبول مسؤلیت‌های گوناگون اجرایی و علمی، منشأ خدمات بسیاری بوده است. برخی مسؤلیت‌های مهمی که ایشان داشته است، عبارتند از: دبیر فدراسیون فوتبال به مدت چهار سال، معاونت پژوهشی دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران، مسؤلیت گروه طب ورزشی، سرپرست دانشکده‌ی تربیت بدنی دانشگاه تهران، نماینده‌ی تحصیلات تکمیلی، نایب رئیس فدراسیون فوتبال (دو دوره)، عضو کمیته‌ی فوتسال کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC)، رئیس کمیته‌ی بازی جوانمردانه AFC، عضو کمیته‌ی مسابقات AFC، عضو کمیته‌ی تغییر اسامنامه‌ی AFC، عضو کمیته‌ی فوتسال فدراسیون بین‌المللی فوتبال FIFA، عضو کمیسیون فدراسیون‌های ملی FIFA و ناظر بیش از ۱۵۰ مسابقه‌ی فوتبال در رده‌های گوناگون و در سطوح آسیایی و ملی از طرف AFC و FIFA.

آنچه در ادامه ملاحظه می‌فرمایید حاصل گفت و گوی دو ساعته‌ی ما با ایشان است.

در ساعت درس  
تربیت بدنی،  
رابطه‌ی خوب و  
موثری بین معلم  
و دانش آموز به  
وجود می‌آید





**گذشته‌ی درس  
تربیت بدنی،  
گذشته‌ی خوبی  
نبوده است**

وسایل و امکانات انجام گیرند. البته ما محدودیت‌های زیادی در زمینه امکانات ورزشی داریم. فرض کنیم جایی وجود دارد که دارای همه‌ی امکانات لازم است. در این محل، بچه‌ها ضمن این که با فعالیت‌های گوناگون آشنا می‌شوند و کارکردهای مهارتی را دنبال می‌کنند، می‌توانند مهارت‌های روانی و اجتماعی را یاد بگیرند.

در زمان اجرای درس تربیت بدنی و فعالیت‌های جسمانی باید به گونه‌ای با دانش‌آموزان برخورد کنیم که علاقه‌مند شوند و لذت ببرند. این موضوع باعث خواهد شد، رابطه‌ی خوب و مؤثری بین معلم و دانش‌آموز به وجود آید. معلمان تربیت بدنی با ابعاد گوناگون شخصیت دانش‌آموزان سروکار دارند و باید ارتباطات خوبی داشته و از مهارت‌های لازم برخوردار باشند. از جمله کارکردهای دیگر می‌توان به کارکردهای عاطفی اشاره کرد. ارتباط مؤثر بین معلم و دانش‌آموز می‌تواند کلاس درس را برای دانش‌آموزان جذاب کند و در این صورت، دانش‌آموزان خیلی بیش‌تر یاد می‌گیرند.

○ جناب آقای دکتر خیبری، همان‌طوری که مستحضرید، در برنامه‌ی درسی مدرسه‌ها در کلیه‌ی دوره‌های تحصیلی، درسی به نام تربیت بدنی وجود دارد که البته بیش‌تر به زنگ ورزش معروف است. ابتدا خواهش می‌کنم برای این که بتوانیم بحث و گفت‌وگو را هدفمند دنبال کنیم، اولاً بفرمایید کدام یک از این دو واژه (درس تربیت بدنی و زنگ ورزش) درست است که در برنامه‌ی درسی منظور شود؟ و ثانیاً تعریف و کارکردهای آن‌ها را نیز توضیح دهید.

● به نظر من، تربیت بدنی. تربیت بدنی به معنای تربیت است که همه‌ی ابعاد انسانی را شامل می‌شود؛ یعنی تربیت بعد معنوی، بعد فرهنگی، بعد اجتماعی، بعد روانی، بعد عاطفی و بعد جسمانی. در واقع، تربیت بدنی یک برنامه‌ی جامع است. با این وصف، زنگ ورزش نمی‌تواند مناسب باشد. در رابطه با کارکرد باید بگویم که کارکردهای تربیت بدنی بیش‌تر جنبه‌ی تربیتی دارند، ضمن این که این کارکردهای تربیتی می‌باید از طریق بدن و جسم و از طریق



**آموزش و پرورش متولی ورزش قهرمانی نیست. متولی ورزش قهرمانی، سازمان تربیت بدنی هم نیست. متولی ورزش قهرمانی فدراسیون‌ها هستند**

○ در سیستم آموزش و پرورش ما سه دوره تحصیلی وجود دارد: ابتدایی، راهنمایی، و متوسطه. به نظر شما، سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی برای کدامیک از این دوره‌ها مهم‌تر است و در اولویت قرار دارد؟ چرا؟

● در این خصوص اگر کشورهای مختلف مورد بررسی قرار گیرند، اطلاعات مفیدی به دست می‌آید. در کشوری مثل انگلستان، در دوره‌ی ابتدایی برای درس تربیت بدنی آن قدر وقت نمی‌گذارند و بیش‌تر روی اوقات فراغت دانش‌آموزان سرمایه‌گذاری می‌شود تا ساعت درس تربیت بدنی. در بسیاری از کشورها، در دوره‌ی ابتدایی تلاش می‌کنند برای ساعت درس تربیت بدنی فعالیت‌های پایه و بنیادی را آموزش دهند که با طبیعت دانش‌آموزان سازگارند. به علاوه تلاش می‌کنند، مواد درسی با درس تربیت بدنی تلفیق شود. ما در کشورمان هنوز گرایش و تمایل بچه‌ها را چندان متوجه نشده‌ایم و بیش‌تر برنامه‌ها را به آن‌ها تحمیل می‌کنیم. در این بخش نیازمند اجرای پروژه‌های متعدد پژوهشی هستیم. لازم است مطالعات موردی انجام دهیم و نتایج را بررسی کنیم و بهترین نتیجه را دنبال کنیم.

به نظر من، دانش‌آموزان باید همواره شادی و نشاط را تجربه کنند و کلاس درس تربیت بدنی می‌تواند، هم خستگی کلاس‌های دیگر را برطرف کند و هم بسیاری از آموزش‌های لازم را برای دانش‌آموزان تدارک ببیند. در مجموع فکر می‌کنم، تقسیم‌بندی دوره‌ها به ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، طبقه‌بندی مناسبی باشد که خود نشان‌دهنده‌ی این است که دوره‌ی ابتدایی دوره‌ای اساسی است که توجه و برنامه‌ریزی بیش‌تری را می‌طلبد.

( شما وضعیت حال و گذشته این درس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ فکر می‌کنید برای رسیدن به شرایط مطلوب در آینده چه اقدامات اساسی لازم است که انجام گیرد؟

● گذشته‌ی این درس، گذشته‌ی خوبی نبوده است. قبل از انقلاب اسلامی، کلاس‌های ورزش تقریباً در اختیار دانش‌آموزان ورزشکار بود و ۳ تا ۵ درصد از دانش‌آموزان که از نظر مهارتی در سطح بالایی بودند، ورزش می‌کردند. خود من به یاد دارم که زمین والیبال مدرسه در انحصار ما بود و بقیه‌ی دانش‌آموزان تماشاگر بودند. این وضع وضع خوبی نبود. اگر از بُعد ورزشی (Sport) به موضوع نگاه کنیم، وضع خوبی بوده است، ولی هدف درس تربیت بدنی Sport نبوده و نیست. تربیت بدنی در دنیا به وسیله‌ی بخشی به نام «Athletic Department»، چه در مدرسه‌ها و چه در دانشگاه‌ها اداره می‌شود. ما چنین بخشی را در کشورمان نداشته‌ایم و نداریم.

بعد از انقلاب اسلامی، تحولی به وجود آمد و توجه به درس تربیت بدنی بیش‌تر شد. به کارگیری تست‌های

گوناگون آمادگی جسمانی و بهره‌گرفتن از روش‌های ارزشیابی، از جمله تحولاتی هستند که در دو دهه‌ی اخیر رخ دادند. با توجه به تغییرات به وجود آمده، دانش‌آموزان لذت بیش‌تری از فعالیت‌های جسمانی می‌برند و تقریباً اغلب دانش‌آموزان در فعالیت‌های کلاسی شرکت می‌کنند. البته اشکالاتی هم هنوز وجود دارد. یکی از آن‌ها، قرار دادن ساعت این درس در اختیار سایر درس‌هاست.

در گذشته، مسؤولان مدرسه‌ها نگرش مثبتی نسبت به این درس نداشتند و گاهی اوقات خود معلمان نیز وقت زیادی برای این درس نمی‌گذاشتند. هنوز هم برخی از معلمان به ورزش قهرمانی تمایل دارند. البته بعد قهرمانی نیز باید در نظر باشد، ولی همه‌ی درس تربیت بدنی نباید تحت الشعاع قهرمانی قرار گیرد. در بررسی‌هایی که صورت گرفته، کاملاً مشخص شده که چه قدر برای رقابت‌های ورزشی هزینه و بودجه اختصاص یافته است. این نگرش اگر تغییر نکند، ما نمی‌توانیم از کلاس‌های درس تربیت بدنی به خوبی استفاده ببریم.

به هر حال من فکر می‌کنم، تلاش‌های زیاد باید صورت بگیرد. باید سیاستگذاری‌ها به صورتی باشند که استان‌ها سراغ ارائه‌ی کارهای جدید و ابتکاری بروند. در مجموع بعد از انقلاب، با توجه به محدودیت‌هایی که وجود داشته، جهش‌های خوبی صورت گرفته است. مهم این است که تفکرات جدیدی به وجود آمده‌اند و نهضتی در حال ظهور است که به درس تربیت بدنی اهمیت می‌دهد. برای موفقیت این نهضت، تلاش و همکاری همه‌ی بخش‌های درگیر در سطوح استانی و ستادی ضروری است.

○ هر برنامه‌ای ارکانی دارد. برای مثال، برنامه‌ی درسی تربیت بدنی ارکانی مثل برنامه، نیروی انسانی (معلم)، بودجه، امکانات، تجهیزات و فضا دارد. به نظر شما تولید برنامه رکن اصلی است یا بودجه و نیروی انسانی؟

● این ارکان را نمی‌توانیم جدا از یکدیگر ببینیم. باید درخصوص همه‌ی آن‌ها به‌طور همزمان حرکت کنیم. ما نمی‌توانیم برنامه تولید کنیم، ولی امکانات آن را نداشته باشیم. یا این که آموزش بدهیم، ولی امکانات، بودجه و یا برنامه‌ی آن را نداشته باشیم. من فکر می‌کنم، اگر بخواهیم به موضوع خوب توجه کنیم، ابتدا باید ببینیم که چی می‌خواهیم و حداقل‌هایی را تعریف کنیم. البته الان این کار در حال انجام است که به نظر من، جزو قدم‌های اولیه است. بعد از این که حداقل‌ها مشخص شدند، می‌توان برنامه‌ها را تعریف کرد تا به هدف‌های مورد نظر برسیم. در این فرایند، باید از افراد متخصص در امر برنامه‌نویسی که خلاقیت نیز داشته باشند، استفاده شود.



**در کشوری مثل انگلستان، در دوره‌ی ابتدایی برای درس تربیت بدنی آن قدر وقت نمی‌گذارند و بیش‌تر روی اوقات فراغت دانش‌آموزان سرمایه‌گذاری می‌شود تا ساعت درس تربیت بدنی**

بدنی در سطح عالی، مربیگری یاد بگیرد، یا در یک رشته‌ی ورزشی، در سطح عالی تبحر پیدا کند. برنامه‌ها به گونه‌ای طراحی شده بودند که یک معلم، چند رشته‌ی ورزشی را به شکلی یاد بگیرد که بتواند آن‌ها را به دانش‌آموزان آموزش دهد. قبلاً افرادی که در رشته‌ی تربیت بدنی تحصیل می‌کردند، تعدادی واحدهای تربیتی را نیز پاس می‌کردند که خیلی خوب بود و الان حذف شده‌اند.

این مشکلات در آینده برای ما مسأله‌ساز خواهند شد و ما با کمبود معلمان تربیت بدنی روبه‌رو خواهیم شد؛ ضمن این‌که در حال حاضر نیز با آن روبه‌رو هستیم. البته آموزش و پرورش در حال تربیت نیروهای مورد نیاز خودش است که این امر شاید تا حدودی کمبودها را برطرف کند. دانشگاه‌ها نیز باید در زمینه‌ی تربیت دبیران تربیت بدنی اقدام کنند و کم‌تر به زمینه‌های قهرمانی بپردازند. برنامه‌ی اصلی معلمان تربیت بدنی نباید فقط مربیگری رشته‌های ورزشی باشد. در انتخاب معلمان تربیت بدنی نیز باید دقت شود؛ هم از نظر ظاهری و هم از نظر اخلاقی.

○ آیا شما به عنوان یک معلم تربیت بدنی در مدرسه‌ها کار کرده‌اید؟  
● خیر.

○ با توجه به مسؤلیت‌هایی که داشته‌اید، بسیاری از معلمان تربیت بدنی در کشور ما شاگرد شما بوده‌اند. فکر می‌کنم بتوانید تفاوت‌ها و ویژگی‌های تدریس در مدرسه‌ها با دانشگاه‌ها را برای ما توضیح دهید.

● تفاوت این دو به نظر من بسیار زیاد است. دانشجویانی که به دانشگاه می‌آیند، تقریباً در همه‌ی ابعاد فرم گرفته‌اند و ما زیاد نمی‌توانیم از نظر تربیتی روی آن‌ها کار کنیم. البته می‌توانیم تأثیر بگذاریم، ولی کار اساسی باید در دوره‌های ابتدایی، راهنمای و متوسطه انجام گیرد. من در آمریکا، با بچه‌هایی که تابستان‌ها به YMC (انجمن جوانان مسیحی) می‌آمدند، کار می‌کردم. آنچه که

ما باید بدانیم، از کجا باید شروع کنیم و به کجا باید برسیم. این به تعیین هدف‌ها نیاز دارد که کاری پیچیده است. با توجه به دید مثبتی که الان وجود دارد، فرصت خوبی برای درس تربیت بدنی مهیا شده است. مسؤولان نظام نیز دوست دارند که چنین امری پیگیری شود. البته حمایت آن‌ها نیز در این روند بسیار مؤثر خواهد بود. در کنار حمایت‌های کلامی، به حمایت‌های جدی و عملی نیز نیاز است.

برنامه همیشه در کنار بودجه است و بودجه هم برنامه می‌خواهد. رشد بودجه‌ی تربیت بدنی خیلی کند است که باید به آن توجه شود و سرانه‌ی دانش‌آموزی افزایش یابد. به نظر من، در این خصوص رشد داشته‌ایم و این رشد اگر بخواهد سریع‌تر شود، باید برنامه‌ریزی دقیق داشته باشیم و منابع هم از طرف مراجع ذیصلاح تأمین شوند. من وقتی کشور خودمان را با برخی از کشورهای منطقه مقایسه می‌کنم، در می‌یابم که در شرایط خوبی قرار داریم، ولی هنوز با آنچه که باید باشد، فاصله داریم. از نظر برنامه هم از بسیاری از کشورها جلو هستیم. مثلاً در کشور مالزی، در خیلی از مدرسه‌ها امکانات فوق‌العاده‌ای وجود دارد. من محتوای برنامه‌ی آن‌ها را دیدم و حتی به مدرسه‌های آن‌ها سرزدم. حتی مدرسه‌های دخترانه‌ی آن‌ها دارای زمین چمن است، ولی در عمل و اجرا خیلی قوی نبودند که حاکی از نبود برنامه و نیروی انسانی کیفی است.

من معتقدم که با همین امکانات محدودی که داریم، می‌توان برنامه‌ی خوبی طراحی و اجرا کرد؛ زیرا نیروی انسانی آن‌را در بسیاری از مدرسه‌ها داریم.

○ همان‌طور که گفته شد، یکی از ارکان درس تربیت بدنی معلمان تربیت بدنی هستند. ارزیابی شما به عنوان یک استاد دانشگاه که در تربیت این قشر نقش داشته‌اید، از نیروی انسانی چیست؟ معلمان تربیت بدنی باید دارای چه ویژگی‌ها و مشخصاتی باشند؟

● لازم است که اشاره کنم، ما در گذشته کارمان در دانشگاه فقط تربیت دبیر بود. الان ارتباط دانشگاه با آموزش و پرورش در خصوص تربیت دبیران تربیت بدنی بسیار محدود شده است. برنامه‌ی تربیت معلم تربیت بدنی اکنون به خوبی گذشته دنبال نمی‌شود. ورود قهرمانان رشته‌های گوناگون به رشته‌ی تربیت

بدنی، برای دریافت آموزش‌های دانشگاهی، این رشته را تغییر داده است. ما در گذشته به دنبال این نبودیم که یک معلم تربیت





## در کشور مالزی، حتی مدرسه‌های دخترانه‌ی آن‌ها دارای زمین چمن است

مسئولان آن‌جا از ما می‌خواستند، دقیقاً همان کارهایی بود که از یک معلم تربیت بدنی انتظار می‌رفت. روزی به من گفتند، شیوه‌ی تو در اداره‌ی کلاس‌ها، با هدف‌های ما همخوانی ندارد. از آن‌ها اشکال کارم را پرسیدم. گفتند که ما در این‌جا نمی‌خواهیم که بچه‌ها فوتبالیست خوبی بشوند، بلکه می‌خواهیم هر نفر را با خودش مقایسه کنیم و همه‌ی بچه‌ها باید موفق شوند. شما باید بستر موفقیت را برای همه‌ی بچه‌ها آماده و شرایط رشد همه‌جانبه را برای آن‌ها فراهم کنید. رشد معنوی برای ما اولویت اول را دارد. در کلاس‌های شما بچه‌ها باید رشد فرهنگی پیدا کنند. انتظارات آن‌ها بالا بود. من یا باید خودم را با شرایط تطبیق می‌دادم، یا این‌که کارم را از دست می‌دادم.

○ آیا توسعه‌ی تربیت بدنی در مدرسه‌ها، تنها به عهده‌ی آموزش و پرورش و مشخصاً تشکیلات ستادی آن (معاونت تربیت بدنی و تندرستی) است؟ یا این‌که نهادها و بخش‌های دیگر کشور نیز باید در این امر مشارکت داشته باشند؟

● ما ابتدا باید رشد و توسعه را تعریف کنیم. بعضی‌ها رشد و توسعه‌ی تربیت بدنی در مدرسه‌ها و جامعه را در تعداد مدال‌هایی می‌دانند که در المپیک و میدان‌های ورزشی به دست می‌آیند. اگر این مورد را رشد و توسعه‌ی تربیت بدنی بدانیم، من می‌گویم که آموزش و پرورش نمی‌تواند و نباید دنبال این مورد باشد. آموزش و پرورش در یک نگاه جامع می‌تواند، بسترهایی را فراهم کند. در کشور چین در این خصوص استفاده‌ی مطلوبی از آموزش و پرورش می‌شود. آن‌ها از معلمان تربیت بدنی خودشان می‌خواهند که استعدادیابی کنند. از معلمان تربیت بدنی انتظار ندارند که قهرمان بسازند. به آن‌ها می‌گویند، ورزشکارانی را که ویژگی‌های مناسبی دارند، شناسایی و به مراکز معینی که زیر نظر آموزش و پرورش اداره می‌شوند، معرفی کنند. این مراکز هم از بیسن معرفی شدگان، بهترین‌ها را انتخاب می‌کنند و روی آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود. البته سرمایه‌گذاری روی آن‌ها توسط بخش قهرمانی و فدراسیون‌های ورزشی صورت می‌گیرد، نه آموزش و پرورش. کشور چین از این شیوه نتایج خوبی به دست آورده است.

اگر رشد و توسعه را به شیوه‌ای که در چین اجرا می‌شود، در نظر بگیریم، در این حالت برای ورزش قهرمانی روی آموزش و پرورش فشاری نیست. اما اگر رشد و توسعه را ورزش همگانی بدانیم، آن وقت آموزش و پرورش را می‌توان به عنوان متولی آن معرفی کرد. آموزش و پرورش در این خصوص در کنار درس تربیت بدنی می‌تواند سیاستگذار باشد. ما اگر بتوانیم در دانش‌آموزان علاقه به ورزش و فعالیت جسمانی را به گونه‌ای نهادینه کنیم که از اجرای آن احساس لذت کنند و

به این نتیجه برسند که تحت هر شرایطی، فعالیت جسمانی و ورزش برای آن‌ها ضروری است و سلامتی آن‌ها را تأمین می‌کند، رشد و توسعه صورت گرفته است. در این بخش سه هدف عمده باید دنبال شود:

۱. تأمین سلامتی دانش‌آموزان و آحاد جامعه؛

۲. غنی‌سازی اوقات فراغت دانش‌آموزان؛

۳. آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان.

اگر در این سه زمینه موفق عمل کردیم، رشد و توسعه صورت گرفته است و نتیجه‌ی آن ملی است که همه باید در آن دخیل باشند و تنها آموزش و پرورش مسوول نیست، اما سیاستگذار است. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که رشد و توسعه‌ی تربیت بدنی در معنای اخیر آن از طریق آموزش و پرورش دنبال شود، بلکه همه‌ی بخش‌ها و تشکیلات موجود در کشور باید در این امر مشارکت کنند.

○ مدتی است که بحث طرح جامع ورزش کشور در محافل گوناگون مطرح است و از ابعاد گوناگون نیز مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. خواهش می‌کنم، نظر خودتان را در خصوص طرح جامع بفرمایید و جایگاه تربیت بدنی و ورزش مدرسه‌ها را در این طرح تبیین کنید.

● این موضوع از جمله مباحث بسیار پیچیده است. علاوه بر این‌که ضروری است، مطالعه و کار بیش‌تری را نیز می‌طلبد. نباید سریع از آن گذشت. ما نمی‌توانیم دانه‌ای بکاریم و انتظار داشته باشیم که سریعاً میوه بدهد. من فکر می‌کنم در ارتباط با این طرح بسیار عجله شده است و عجله می‌شود. اگر به این شکل پیش برود، نمی‌توان انتظار زیادی از آن داشت. تقسیم‌بندی ورزش حرفه‌ای، قهرمانی، همگانی و تربیتی اشکالاتی دارد و ما نمی‌توانیم ورزش را این‌گونه تقسیم‌بندی کنیم. آموزش و پرورش خودش، هم ورزش قهرمانی دارد و هم به ورزش تربیتی می‌پردازد. در نیروی انتظامی و وزارت کار، هم ورزش قهرمانی دنبال می‌شود و هم ورزش همگانی. ما نمی‌توانیم آن‌ها را از ورزش قهرمانی محروم کنیم. ما اکنون شاهد آن هستیم که دانش‌آموزان کشور ما در رقابت‌های ورزش قهرمانی در میدان‌های بین‌المللی حاضر می‌شوند. آیا به دلیل این‌که طرح جامع مشخص کرده است، آن‌ها نباید در عرصه‌ی ورزش قهرمانی وارد می‌شدند؟

خوشبختانه تغییراتی در حال انجام است. به هر حال طرح جامع اگر قرار باشد که اجرا شود، نیازمند بازنگری و تغییراتی است و همچنین بودجه‌ی زیادی را می‌طلبد. الان جامعه‌ی ما این آمادگی را ندارد. البته نکات مثبتی هم وجود دارد که از جمله می‌توان به مطرح شدن بحث تربیت بدنی و ورزش در سطح کلان مدیریت کشور اشاره کرد. این طرح باعث شده است، نگاه‌ها متوجه امر تربیت



**در کشور چین از  
معلمان تربیت  
بدنی  
می‌خواهند که  
استعدادیابی  
کنند، از آن‌ها  
انتظار ندارند  
که قهرمان  
بسازند**

موارد شامل همه‌ی فدراسیون‌ها نمی‌شود و بعضی از فدراسیون‌ها، مثل بسکتبال و والیبال، از این شرایط استفاده مطلوب‌تری می‌برند.

در دانشگاه‌ها نیز همین شرایط حاکم است. برخی از ورزشکاران خوب در دانشگاه‌ها وجود دارند که از آن‌ها استفاده نمی‌شود. بازیکنی مثل علی دایی، در مسابقات دانشگاهی مطرح شد و همین‌طور رحمان رضایی.

درست نیست که ناکامی‌ها را به گردن آموزش و پرورش بیندازیم. به نظر من در چنین مواقعی مسؤولان آموزش و پرورش هم باید ضمن رد موضوع بگویند که ما نه وظیفه‌ی پرداختن به این امر را داریم و نه بودجه‌ی آن‌را به ما می‌دهند و کلاً این انتظارات با هدف‌های درس تربیت بدنی در مدرسه‌ها هم خوانی ندارند. اتفاقاً مسؤولان مربوط نیز چنین بیاناتی داشته‌اند.

○ آیا «فدراسیون ورزش مدارس» که در ساختار تشکیلاتی معاونت تربیت بدنی و تندرستی وزارت آموزش و پرورش پیش‌بینی شده و اکنون نیز دایر است، می‌تواند این خلأ را پر کند و همان نقشی را که جناب عالی فرمودید، فدراسیون‌ها باید بازی کنند، به عهده بگیرد؟

● بله. این گونه ارگان‌ها بسیار بسیار جالب هستند. منتها اگر سازمان می‌خواهد در این زمینه کار کند، باید ارتباط‌های خودش را معنادار کند. الان فدراسیون ورزش دانشجویی هم داریم. این گونه فدراسیون‌ها باید بگونه‌ای طراحی شوند که قائم به افراد نباشند. ارتباط‌های موجود در تشکیلات کمیته‌ی بین‌المللی المپیک (IOC) با کمیته‌های ملی المپیک، یکی از مناسب‌ترین نوع ارتباط‌های تشکیلاتی را در ورزش نشان می‌دهد که می‌تواند، در بسیاری از بخش‌ها متمرکض باشد. به هر حال فدراسیون‌ها باید براساس یک ارتباط ارگانیک منطقی با خودشان و بخش‌های مرتبط به تعامل بپردازند تا از حرکت‌ها و کارهای موازی جلوگیری شود و بهره‌ی بیش‌تر به جامعه برسد.

من فکر می‌کنم، اکنون وقت خوبی است که بخش‌های قهرمانی با یکدیگر، بخش‌های تربیتی با یکدیگر و بخش‌های ورزش همگانی با یکدیگر به تعامل بپردازند و به اوضاع ورزش کشور سروسامان بدهند. در این حالت، در جامعه اتفاق نظر و وحدت به وجود می‌آید و بهره‌وری در زمینه‌ی مورد نظر بالا خواهد برد. این کار عملی است و اگر صورت نگیرد و هر بخش مسیری متفاوت با سایر بخش‌ها انتخاب کند، شرایط مطلوبی نخواهیم داشت. من بهترین حالت را همان ارتباط‌هایی می‌دانم که در IOC وجود دارد. اگر نتوانیم به این مورد سامان بدهیم، نه تنها بودجه‌ی خودمان را از دست داده‌ایم، بلکه نتیجه‌ای نیز عایدمان نخواهد شد.

بدنی و ورزش هم شود. یکی از ضعف‌های این طرح، بررسی وضع موجود است. برای این‌که وضع موجود بررسی شود، ابتدا می‌باید ابزارهای لازم را تعریف می‌کردند که به نظر من، ابزارهای لازم برای بررسی وضع موجود تعریف نشده‌اند.

به نظر من، اول باید در بخش‌ها برنامه‌ریزی جامع انجام می‌گرفت و سپس طرح جامع ورزش و تربیت بدنی کشور ارائه می‌شد. نه این‌که اول طرح جامعه‌کشور ارائه شود و سپس در بخش‌های مختلف برنامه‌ریزی صورت گیرد. البته سازمان تربیت بدنی می‌تواند در این مقوله سیاستگذار باشد. آموزش و پرورش توان این‌را دارد که برای خودش در زمینه‌ی تربیت بدنی و ورزش برنامه‌های ۵ ساله، ۱۰ ساله و حتی ۲۰ ساله طراحی کند. وزارت علوم، شهرداری و وزارت کار نیز همین‌طور. اگر به این موارد توجه نشود، مقاومت‌هایی به وجود خواهد آمد که مشکل‌ساز خواهند بود. باید زمینه‌ها و بسترهای مشارکت عمومی فراهم شوند و این طرح را همه بپذیرند. روابط و ساختارهای آن باید منطقی تعریف شوند تا تمامی بخش‌ها در آن مشارکت فعال داشته باشند.

○ احتمالاً شما نیز تاکنون شاهد بوده‌اید که گاهی پس از باخت تیم‌های ملی در رقابت‌های بین‌المللی، از گوشه و کنار به گوش می‌رسد که شکست‌های ما به این دلیل است که در آموزش و پرورش، روی ورزش خوب کار نمی‌شود، به نظر شما درس تربیت بدنی در مدرسه‌ها تا چه اندازه در پیروزی، شکست و ناکامی ورزشکاران ملی ما در رقابت‌های بین‌المللی تأثیر گذار است؟

● بخشی از پاسخ را قبلاً بیان کردم. ببینید، آموزش و پرورش متولی ورزش قهرمانی نیست. متولی ورزش قهرمانی، سازمان تربیت بدنی هم نیست. متولی ورزش قهرمانی فدراسیون‌ها هستند. واقعاً باید به فدراسیون‌ها کمک شود که ورزش قهرمانی را دنبال کنند. خود آن‌ها توان حل مشکلات خودشان را ندارند. تربیت قهرمان نه وظیفه‌ی آموزش و پرورش است و نه امکان و بودجه‌ی آن‌را در اختیار دارد. بنابراین نباید انتظار داشت که قهرمان تربیت کند و این کم‌لطفی به آموزش و پرورش است.

اگر اشکالی وجود دارد، آن است که ما نمی‌توانیم از بستری که در آموزش و پرورش وجود دارد، برای ورزش قهرمانی بهره ببریم. در شرایط فعلی، حداقل انتظاری که می‌توان داشت، آن است که مسؤولان فدراسیون‌ها در مسابقاتی که در آموزش و پرورش برگزار می‌شوند، حضور پیدا کنند و استعداد‌های ورزشی را ببینند و روی آن‌ها کار کنند. فدراسیون‌ها، متأسفانه از این فرصت به خوبی استفاده نمی‌کنند و با مسابقاتی که توسط آموزش و پرورش برگزار می‌شود، ارتباط ارگانیک ندارند. البته این